

کتابخانه  
شورای  
امری



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

۱۴۵۷

~~۱۳۸۲~~

شماره قفسه ۱۴



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۸۹۸۹۱

بازدید شد  
۱۳۸۲



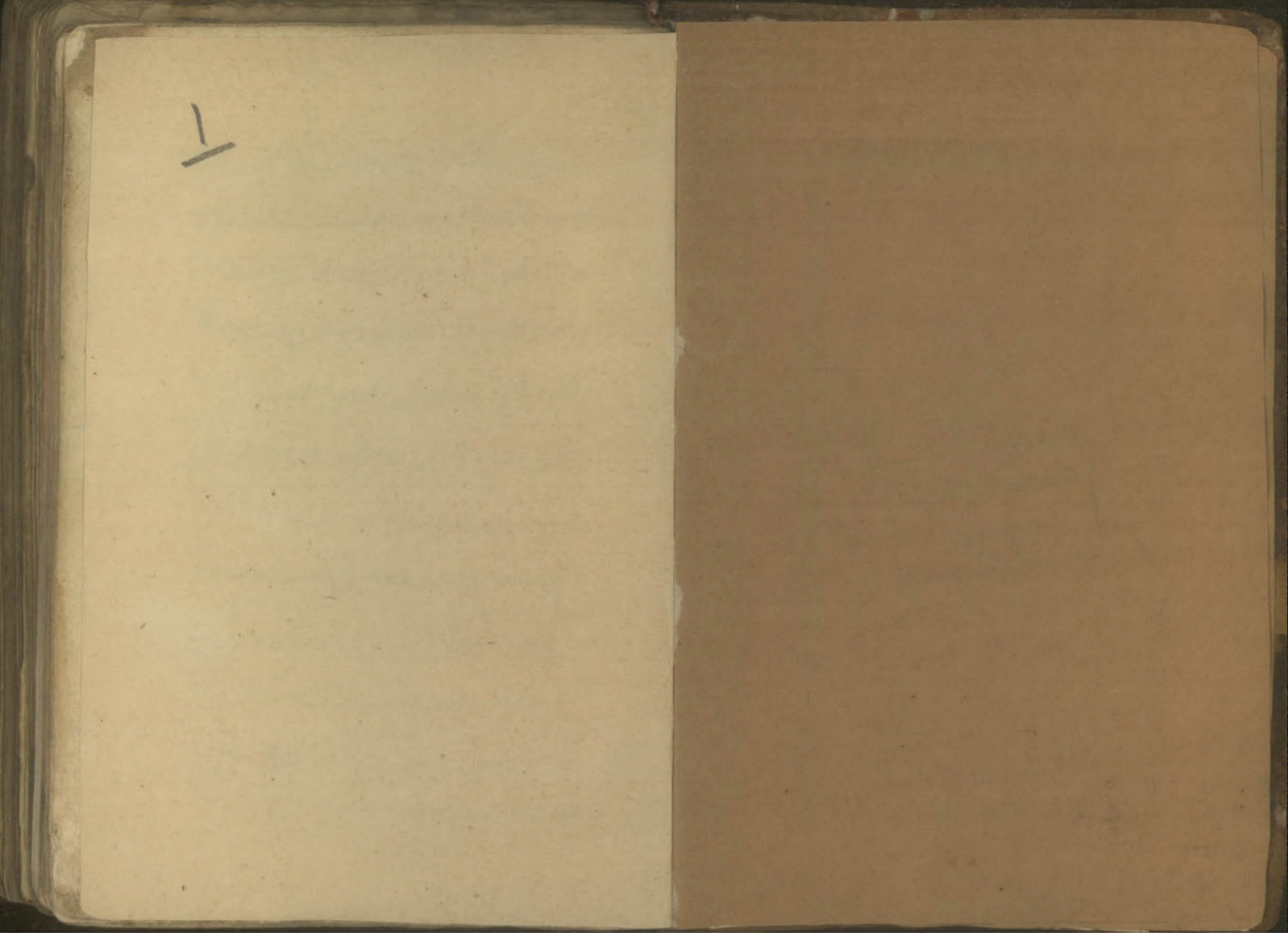
۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	
مؤلف	
مترجم	
شماره قفسه	۱۴۵۷
جمهوری اسلامی ایران	
مشارکت کتاب	۸۹۸۹۱

بازدید شد  
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	
مؤلف	
مترجم	
شماره قفسه	۱۴۵۷
جمهوری اسلامی ایران	
مشارکت کتاب	۸۹۸۹۱

بازدید شد  
۱۳۸۲





مناسب است بد آنکه علمای سلفین در وقت تولد آنجناب از خلاف  
گروه اند و مشهور میان اهل مکه و مدینه آنست که تولد آنجناب  
در هزار و پنجاه و پنج سال اول و هفتاد و هفت و از علمای شیعه نقی الاسلام  
در اصول کافی این قول را اختیار نموده و پنج طایفه در خندنب و علماء  
در کتبی بر پنج شیعه در دروس فرموده اند که ولادت آن سرور در روز  
پنجم ماه ربیع الاول شده و در پنجاه و هفت سالگی در شب  
ششم از آنجا که خدیجه زوجه جناب رسول خدا ص و مادر فاطمه زهرا  
در بنی خاندن همان است که موضع تولد جناب رسول خدا ص است  
و آنوقت در نیمه نوزدهمین است بدانکه در آنخانه محراب است  
میگویند موضع عبارت جناب رسول خدا ص و آنجا که پس از آن  
آنوقت از جنبه بنی راس است مناجاة یا فاطمه یا جات و آن  
مکانی شریف بسیار مناسب است و موضع دیگر است

می گفتند که موضع تولد عیسی است و در غیر غلط فرض است  
 که ولادت سعادت تا باب اند و قدوه ارباب سعادت  
 در مدینه منوره که بعد از ولادت جناب امام حسین علیه السلام  
 در سیمیم از بخت فیه جناب نوحه الاسلام و ذکر فرجه  
 یا در سیمیم بخت فیه جناب نوحه می بیند و ذکر فرجه و در سیمیم  
 که صحیح این فرجه بنده نظر علیا خط تاریخ تولد آن معصوم و تاریخ  
 تولد جناب حضرت امام حسن و ولادت جناب امام حسین  
 در سیمیم بخت فیه بنابر اول و در سیمیم بنابر ثانیه  
 بن بر آن موضع تولد شریف جناب سیده الفاتمه علیها السلام  
 النجیه و الفاتمه فیه تولد آن معصومه و در سیمیم از لغت قرآن  
 قیامه علیه السلام و سیمیم فیه در مکه معطر و موضع دیگر است که می گفتند  
 موضع اجابت جناب امیر المومنین علیه السلام است

تولد از حق

چنانکه شرافت آن گاهان کجاست بسیار و از موضع است حرمان از  
 مشرف شدن آن بسیار جفا است و در همان مکان در فوق  
 آن مسجد است خداوند و آن مسجد مشرف شدن آن گاهان کجاست  
 که از آن مناسب است مشرف شدن بنابر است و در سیمیم  
 تم جناب رسول خدا و والد جناب امیر المومنین است و آن  
 در معجده و قسمت که چند فقره در آن است و در سیمیم و جناب  
 من است و فاخته خواندن در سیمیم جناب مناسب است  
 و از اجناس ظاهر آنچه که از جناب خدمت بسیار نسبت به جناب  
 رسول خدا کرده با اخلاص شسته اند و دارند که بعد از فوت  
 ابو طالب جناب رسول خدا بسیار خزون شد و شکایت  
 حزن و غم و خوف را حضرت جبرئیل اظهار فرمود و در سیمیم  
 خداوند عالم جل شانه رسید که بیرون رواز قریه که اهل آن



طالع و معنی و آن حضرت از خدمت ابوطالب در آن بلد علیا  
 و در حدیث صحیح از کاتب سر او و قاضی جناب حضرت  
 حرّاق علیه السلام وارد است که مثل ابوطالب مثل اخی که هفت  
 که در بطن ایمان آورده بودند و از آنها شرک میخوردند و تفرقه  
 میآوردند و بابت آن جناب شرف شدند و فاکحه خواندن بر ایشان  
 آنحضرت بسیار مناسب است چنانکه زیارت حضرت  
 خدیجه زوجه حضرت جناب رسول خدا ص و کار و فاطمه زهرا  
 و غیر آنرا محرم در دامن کمر و حقیقت و بقیه دارد و در حدیث  
 است در آن بقعه در همان سمت که قبر جناب ابوطالب است  
 در آن سمت و قسمت که قبر جناب خدیجه و در آن سمت از  
 معطر و جناب رسول خدا ص احترام او را از مظلومانه میکنند  
 و یکدیگر نقل کرده اند که آن جناب تا خدیجه و حیات نبی  
 تزویج دیگر نفرمودند و بعضی نقل کرده اند که نبوت حضرت خدیجه

فیصل

قبل از وفات ابوطالب به واسطه روز پنجشنبه شرف شدند  
 بفارسیست که در جیل حرا واقع است و آن موضوع است که جناب  
 رسول خدا ص در اوایل نزول و حدیث آنجا مشغول عبارت بودند  
 مناسب است که در آن مکان مشغول بنیاجات فی الحال  
 بنهشتیم است که مشرق و بشارت که در جیل قرار دارد  
 و انفا رست که جناب رسول خدا ص در آن محضر شدند  
 از تری مشرقی هفتم شرف شدند به سجده اقامت است  
 و خانه که این مسجد در آن قسمت و مشهور است با این  
 و محققانند که از جمله مسجیات میگویند ختم قرآن نمودن  
 در مکه و در حدیث وارد است که یک ختم قرآن کند  
 در مکه عباد عین و تا آنکه به پند منزل محمد ص در آن است  
 بی جناب است که بنشیند نزد ایشان که بایستی کنی

پانچ وجر لاکھ برابر که در حدیث وارد است که مفسر آن  
 آنجا که فون میباشند و در آنجا مشغول نماز شده بایستی  
 حجر لاکه و مقام حضرت ابراهیم با در حجر حضرت اسماعیل  
 یا در قرب مستجار و هر یک از این مواضع را که چندین کند  
 خوب است و اگر جمع باین هم نماید شایسته آنست که در آنجا  
 با چنانی خواب ذکر کند و عبادت در آن مکان شریف  
 از حد و نماز افزونی است از جناب عتبه و حسان  
 و در وقت بخت بد که افضل است از فراغ عافیت که انفاق  
 شود در رضا جناب بر عتبه نه و از جمله مستحبات است که  
 در آن خواند که است و مستحق است که بنده فقیر مرگانه  
 عمر بکشد با آن مکان شریف و عبادت و مراقبت از آن  
 مکان شریف بسیار موجب کمال صحت و کمال دفع

و نه است که در آنجا عبادت نماید

و نه است که در آنجا عبادت نماید و در حدیث صحیح از جناب ملاقات آن  
 صلوات الله علیه و آله وارد است که هر کس که در آنجا عبادت نماید  
 روز پس و در آن کتی خانه کعبه و هفت سوره طواف کند  
 با آن مکان دوست بر حجر لاکه و در کتی خانه عبادت و در هر  
 بعد از فراغ از طواف بر و نوزد مستجار و بر و عا که حواله  
 بخوان و حواله مخفی و بخوانه بعد از آن بر و نوزد حجر لاکه  
 دوست بر حجر عتبه و یکصدت عتبه بر حجر کعبه از دوست  
 دیگر را سبب در کعبه بر دیوار خانه کعبه از دست عتبه بخوانه  
 به چوبان و حد و شمار خداوند عالم بسیار بکن و عبادت بر حجر  
 کائنات و آن اطهار آن سرور بفرست بعد از آن انبیا  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ  
 وَنَبِيِّكَ وَآمِنْ عَلَيْكَ وَجَلِيلُكَ وَجَلِيلُكَ



وَحِينَ ثَلَاثَ مِائَةٍ خَلِيفَتِ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ مِائَةَ سَائِلٍ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ وَصَدِّعْ بِأَمْرِكَ  
وَأَوْدِقْ فِي جَنَّتِكَ وَعَبْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ  
الْبَقِيَّةُ اللَّهُمَّ أَقْبِلْهُ فَيُفْلِحَ مُنْجَا مُسْتَجَابًا  
بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ  
مِنَ الْمُغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالْحِمَّةِ وَالْوَفَا  
وَالْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمَلْتُ فَأَغْفِرْ لِي  
وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَأَرْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهِ  
لَا تُجْعَلْهُ أَضَى الْعَمَلِ مِنْ بَيْتِكَ اللَّهُمَّ إِنْ  
عَبَدَكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ حَمَلَتْهُ  
عَلَى دَوَابِّكَ وَسَيَّرْتَهُ فِي بِلَادِكَ حَتَّى

أَتَى

أَتَى

قَدْ مَتْنِي حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ وَعَدُكَ كَانَ فِي  
حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ  
كُنْتَ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ دُعَيْتَنِي  
رِضًا وَقَرَّبْتَنِي إِلَيْكَ رُكْنِي وَالْإِبْتِغَاءُ  
وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي مِنْ الْإِنِّ فَاعْفُ عَنِّي  
فَبَلَّ أَنْ تَنَازَعَ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا  
أَوْ إِنْ أَنْصَرَفْتَنِي إِنْ كُنْتَ قَدْ أَرَدْتَ لِي  
غَيْرَ مَرِئٍ عِنْدَكَ وَالْمُسْتَبْدِلُ بِكَ  
وَالْإِبْهَةِ اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ  
وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّى يَبْلُغَنِي أَهْلِي

وَعَنْ يَمِينِي

فَإِذَا بَلَغَ أَهْلَهُ فَأَكْفَى مَعُونَةَ عِبَادِكَ وَ  
 عِيَالِي فَإِنَّكَ دَلِيلُكَ مِنَ الْخَلْقِ وَهِيَ  
 انوقت برودن و چاه زعفران و از آب آن بخورد و بعد از آن درون  
 برود و در حدیث دیگر و ادب است که از باب حنا طایر برود  
 رود و باب حنا طایر در لیت و در مقابل رکنی است و آن  
 در لغت یافیه لیب لغت فکرون در مسجد الحرام بنابر این که در  
 مقابل رکنی است و در تافه مسجد بعد از آن از هر دو خواهد  
 برود و در ظاهر اینست که استیجاب بر اهل آورده است و در مقابل  
 مدینه شریف است و در آن چند محبت است اول که بداند اینست  
 و در حق فاطمه زهرا سلام الله علیها و حاج خورشید و زیارت  
 روضه مطهره و در کتاب منوره خیر عالین و سید المرسلین  
 از جناب خیر صادق ع و در لیکن جناب رسول خدا ص و در

الحمد لله

بعضی بگویند شرفش و زیارتش در مدینه شریف و در  
 در روز قیامت جناب خواهم نمود و یک زیارتش در آنست  
 بخند بر من شفاعت او و یک که در حین او در حق او  
 من و حبیب بر او و حضرت او است که اول بگویند شرفش و  
 و بعد بدین جناب و در حدیث صحیح از جناب ابی جعفر طاهر است  
 که مراد لام محمد لغت است سوال نموده که ابتدا کنم بدین بگویند  
 که ابتدا کنی بگو و ضم کن بدین که آن افضل است بدانه است  
 غسل بجهت دخول در مدینه خواه منقل بدخول بجهت یا قبل از آن  
 و هم جنبانی غسل سنت است بجهت دخول و در حدیثی است و زیارت  
 آنست و اگر در جنبانی غسل اول نیت بر سه غسل نماید آنست  
 خیر خواهد بود و بعضی از اعاظم علماء فرموده اند که داخل مسجد رسول  
 خدا ص و دانه سجده از در حضرت جبرئیل و آن در لیت که



که از جانب یحییٰ بن یحییٰ و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد  
 کردند از کفایت سلام بر جناب رسول خدا ص و از کفایت سلام بر جناب رسول خدا ص  
 مقدس حضرت فرمود که بگو السلام علی رسول الله  
 صلوات الله علیه و آله السلام علیک یا حبیب الله  
 السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا  
 امین الله اشهد انک قد فصححت لایمک  
 و جاهدت فی سبیل الله و عبدت الله  
 اتبعت البقیة فجزاک الله افضل ما یجوز  
 نسیباً عن امیه اللهم صل علی محمد و آل  
 محمد افضل ما یجوز فی نسیباً عن امیه  
 صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک محمد

محمد و محبت است که در یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد  
 مقدس جناب رسول خدا ص و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد و یحییٰ بن محمد  
 همه بگو اشهد ان لا اله الا الله و تحده  
 لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسولہ  
 و اشهد انک رسول الله و اشهد انک  
 محمد بن عبد الله و اشهد انک قد فصححت  
 من سائر الایم و ربک و فصححت لایمک و جاهدت  
 فی سبیل الله و عبدت الله و اتبعت البقیة  
 فجزاک الله افضل ما یجوز فی نسیباً عن امیه  
 و اتبعت البقیة فجزاک الله افضل ما یجوز  
 فی نسیباً عن امیه و اتبعت البقیة فجزاک الله افضل ما یجوز  
 فی نسیباً عن امیه و اتبعت البقیة فجزاک الله افضل ما یجوز

بِقَوْلِكَ أَفْضَلُ الشَّرَفِ بِكَ مَحَلُّ الْمُلُوكِ  
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَعَفَذَ نَائِبُكَ مِنَ الشَّرِّ  
وَالْإِلَاحَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ مَكُونُكَ وَ  
مَكُونُوا مَلَكِيَّتِكَ الْمُفْرَقِينَ وَبَيَادِكَ  
الْمُتَالِحِينَ وَأَنْبِيَاءَكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِي  
الْمُتَرَاةِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ يَسْجُدُ لَكَ نَارًا  
الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ  
عَلَيْكَ وَرَسُولِكَ وَبَيْتِكَ وَأَمْنِيَّتِكَ  
وَنَجْوَاكَ وَجَلْبِيَّتِكَ وَتَقِيَّتِكَ وَخَاصِيَّتِكَ  
وَمَعُونَتِكَ وَخِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ  
أَعُوذُكَ مِنَ الرَّجَاةِ وَالْوَسِيلَةِ

والله اعلم

فِي الْجَنَّةِ وَمِنْ أَعْيُنِهِ مَقَامًا مَحْمُودًا يُعْبَطُ بِهِ  
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ  
أَنَّهُمْ أَرَادُوا مَكُونُ أَفْضَلِهِمْ جَاءُواكَ فَاسْتَغْفَرَ اللَّهُ  
وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَلَمْ يَقُولْ لَوْ جَدَّ اللَّهُ تَوَابًا  
وَحِيمًا وَإِنِّي أَتَيْتُ بَيْتِكَ مُسْتَغْفِرًا نَائِبًا  
مِنْ دُؤُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِبَيْتِكَ نَجْوَى  
الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَعْيُنِهِ  
بَيْتِكَ إِلَى اللَّهِ دُؤُوبِي وَمِنْ بَيْتِكَ لِيَعْفِرَ لِي دُؤُوبِي  
بَعْدَ أَنْ يَكُونَ نَارُ زِيَارَتِكَ كَمَا وَصَلْتَ لِي فِي دُؤُوبِي  
عَنْ أَمْرِكَ عَالَمٍ مَشْهُورٍ نَائِبًا وَجْهًا كَمَا وَصَلْتَ لِي فِي دُؤُوبِي  
لِيَجْزِيَ لِي نَائِبًا مِمَّنْ زَارَ بَيْتَكَ نَائِبًا فَاصْبِرْ لِي فِي دُؤُوبِي



مكة تعظم زيارته وادبته شرفا وحرارة شريفة فلهذا نعوذ بك من اجتماع غلبته  
سفره وحرارة زيارته ما يوجب له غلبته أن ما خوذت زيارته  
جامعه من كثرة حشده اكمل زيارته من كثرة غلبته من كثرة  
كثرة مقامه من كثرة كثرة غلبته او غلبته كثرة غلبته  
نحو زيارته من كثرة غلبته من كثرة غلبته من كثرة غلبته  
ما يوجب له كثرة غلبته من كثرة غلبته من كثرة غلبته  
والمجاهد الذي عاود زيارته في كل سنة من كثرة غلبته  
من كثرة غلبته من كثرة غلبته من كثرة غلبته  
السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك يا  
حبيب الله السلام عليك يا صفي الله السلام  
عليك يا أمين الله لا السلام عليك يا نبي  
عز سب الله مع صباح دينك السلام عليك

٩  
يا سبب الانبياء الله وحسن سببه السلام عليك  
يا منبأ الدجى وعلو الهدى السلام عليك  
يا عمادا الاقبياء واية الله العظمى السلام عليك  
يا رب الموحدين النجباء السلام عليك يا من  
خصه الله بيمين بل الحباء السلام عليك يا  
كف الوترى ومجته الله على اهل الدنيا  
والاخيرة والاولى السلام عليك يا عينا  
المكروبين وعصمة المؤمنين السلام عليك  
يا امان الخائفين وقدة النافين  
ورحمه الله وبقى كانه شهد ان لا اله الا الله

إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ  
لِنَفْسِهِ فَشَهِدَتْ أَلْفُ مَلَكٍ لَهُ وَأَوَّلُ الْعَالَمِ  
مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ  
أَنَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ عَبْدُ الْمَلِكِ وَرَسُولُهُ  
الْمُرْفَعُ وَدَلِيلُهُ الْمُصْطَفَى وَأَنَّكَ مُصْطَفَى النَّاسِ  
وَمَعْدِنُ الرَّحْمَةِ وَتُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةُ أَرْسَالًا  
اللَّهُ تَعَالَى بِالْهُدَى وَيَرْبُّنَا الْحَقُّ لِنُظَاهِرَهُ  
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ  
أَنَّكَ الْمَطْبُوعُ لِلَّهِ الْفَائِزُ بِكُوَامَتِهِ الْعَامِلُ  
بِرَأَايَتِهِ أَمْطَفَاكُ اللَّهُ بِعِلِّيَّةٍ وَأَدْنَاكَ  
لِيَدِهِ وَاجْتِبَاكَ لِدِينِهِ وَأَعَزَّ لِقَدَرِهِ

المر

وَحَصَّكَ بِرُحْمَائِهِ وَأَتَجَبَّكَ لِنُورِهِ  
أَتَدَكُ بِرُوحِهِ وَجَعَلْتَ حُجَّةً عَلَى بَنِيهِ  
وَنَامِنُ الدِّينِ بِهِ وَحَافِظُنَا لِسِرِّهِ وَخَانِنَا  
لِعِلِّيَّةٍ وَمُسْتَقْدِمًا لِحُكْمِهِ وَرُكْنًا لِنُورِهِ  
حَبِيبُهُ وَعِلْمُ الْغَيْبِ بِهِ وَمَنَا وَافِي بِالْإِيمَانِ  
وَدَلِيلُنَا عَلَى صِدْقِ طَلَبِ عَصَمِكَ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِ  
يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى الدُّلِيلِ وَأَمْنِكَ مِنَ الْفِتَنِ  
وَطَهَّرَكَ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنكَ  
الرَّجْسَ وَطَهَّرَكَ تَطْهِيرًا يَا فَيَّ أَنْتَ  
وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي أَشْهَدُ



أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ أَمَرْتَ بِالْعُرْفِ  
 وَبَقِيتَ مِنَ التَّكْرِ وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ حَتَّى  
 جِيَادِهِ وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي مَوَاضِيهِ  
 وَصَبَرْتَ عَلَى مَا أَصَابَكَ فِي حَبِيبِهِ وَدَعَوْتَ  
 إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتَّى  
 أَعْلَنْتَ دَعْوَتَهُ وَبَلَّغْتَ قُرْآنَهُ وَأَمَرْتَ  
 حُدُودَهُ وَكُنْتَ شَرِيعَ أَحْكَامِهِ وَسَمِعْتَ  
 سِتْنَةَ فَعَطَمْتَ جَلَالَهُ وَكَبَّرَ سَائِلَهُ وَ  
 مَجَّدْتَ كَرَمَهُ وَأَخْلَمْتَ عَقْدَ ظُلُمَتِهِ وَ  
 نَصَحْتَ لَهُ فِي السِّيِّئِ وَالْعَلَلَانِيَةِ وَأَمَرْتَ  
 ذِكْرَهُ وَكَذَّبْتَ مِثْلَافَهُ وَأَنْتَ الْبَيْتُ

العلم

١١  
 الْأَعْظَمُ وَالْأَقْوَمُ وَالشَّاهِدُ  
 فِي دَارِ الْفَنَاءِ وَالنَّقِيعِ فِي دَارِ الْبَقَاءِ وَ  
 الْحَمْدُ الْمَوْصُولَةُ وَالْإِيَّاهُ الْمَحْزُونَةُ وَالْإِيمَانَةُ  
 الْمُحْفَوْكَةُ وَالْبَابُ الْمُسْتَلَبُ بِهِ النَّاسُ مِنْ  
 أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ نَجَى وَمَنْ لَمْ يَأْتِكَ  
 فَقَدْ هَلَكَ سَعِيدٌ وَاللَّهُ مِنْ وَالْإِلَهِ  
 وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكَ وَخَابَ مَنْ حَبَدَكَ  
 وَضَلَّ مَنْ فَاوَقَكَ وَفَارَ مَنْ قَسَمَكَ  
 بِكَ وَآمَنَ مَنْ جَاءَ إِلَيْكَ وَسَلِمَ مَنْ  
 صَدَّقَكَ وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ

مَنِ اتَّبَعَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ  
 وَمَنِ خَالَفَكَ فَالْأَنَارُ مَثْوَاهُ وَمَنْ جَدَّكَ  
 كَافِرٌ وَمَنْ حَادَّكَ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّكَ  
 عَلَيْكَ تَفَوُّقِي أَسْفَلِ دَرَجَاتِ مِنَ الْجَحِيمِ فَالْ  
 الرَّغِيبُ عَنْكَ مَارِقٌ وَالْأَنِزَالُ لَكَ لَاحِقٌ  
 وَالْمَقْصَرُ فِي حَقِّكَ رَاجِعٌ وَالْحَقُّ مَعَكَ  
 وَفِيكَ مِثْلُكَ وَالْيَلَدُ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدَنُهُ  
 وَمَا وَدَّهِ وَمَنْهَاةٌ وَعُلُومُ الْأَنْبِيَاءِ  
 عِنْدَكَ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكَ وَحِسَابُهُمْ  
 عَلَيْكَ وَفَضْلُ الْجَنَابِ عِنْدَكَ وَالْآيَاتُ لِلَّهِ  
 لَدَيْكَ وَتَوَدُّهُ وَبُنْهَانُهُ عِنْدَكَ قَاسِمُهُ

السر

إِلَيْكَ يَا بَنِي آدَمَ وَأَحِبِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَا  
 مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِأَرْسُولٍ اللَّهُ بَدَأَ بِكَ وَمَنْ  
 وَخَدَّه قَبْلَ عَيْنِكَ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكَ  
 مَوْلَايَ لَا أَحَقَّ شَأْنًا وَلَا أَبْلَغُ مَرِئًا  
 كَهْفَكَ وَمِنْ الْوَصْفِ فَذَرَكْ إِذْ بَلَغَ اللَّهُ  
 بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرُمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ  
 الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْتَ مَدَائِجُ الْعَظَمَاءِ وَأَنْتَ  
 دَرَجَاتُ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَفُوقُ فَاقًا  
 وَلَا يَلْحَقُ لَاحِقًا وَلَا يَتَمَعُّ فِي إِدْرَاكِ  
 ظَاهِرٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مَوْمِنٌ مَنَاحٍ وَلَا فَاعِي



طَائِحٌ وَلَا صِدْقِي شَهِيدٌ وَلَا خَلْقٌ بِنَائِي  
 ذَالِكُ شَهِيدٌ وَلَا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ  
 مُرْسَلٌ إِلَّا عَرَفَهُ جَلَالُهُ أَمْرَكَ وَعَظِيمُ  
 تَخَطُّرِكَ وَكِبَرُ مَنَائِكَ وَتَعَامُلُ نَوْدِكَ  
 ثَبَاتُ مَقَامِكَ وَشَرَفُ فِعْلِكَ وَمِنْ لَيْلِكَ  
 عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكَ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكَ لَدَيْهِ  
 وَقُرْبُكَ مِنْ لَيْلِكَ مِنْهُ يَا بَنِي آدَمَ  
 وَأَهْلِي وَأَهْلِي وَمَالِي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَسْمَكَ  
 أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِمَا أَنْتَ بِهِ كَافِرٌ بَعْدَكَ  
 وَبِمَا كَفَرْتَ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِثَنَائِكَ وَبِغِلَالِهِ  
 مَنْ خَالَفَكَ مُوَالٍ لَكَ وَلَا لِيَاثِكَ

بسم

مُبْغَضٌ لِأَعْدَائِكَ وَمُعَادٍ لِمَنْ مُحَقَّقٌ لِيَا  
 حَقَّقْتَ مُبْطِلٌ لِيَا أَبْطَلْتَ مُطِيعٌ لَكَ عَارِفٌ  
 مُحَقِّقٌ مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكَ مُجْتَنِبٌ بِذُنُوبِكَ  
 مُعْتَرِفٌ بِكَ الْخِدْبُ يَقُولُ لَكَ مَعَامِلُ بِأَمْرِكَ  
 مُسْتَجِيبٌ بِكَ وَأَنْ لَكَ عَائِدٌ بِبَابِكَ لَا يُدْ  
 بَعْدُكَ مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكَ  
 وَمُقَرَّبٌ بِكَ إِلَيْهِ وَمُقَدَّمٌ أَمَامَهُ  
 وَحَوَاجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي  
 وَأُمُورِي فَأَشْفَعُ لِي عِنْدَ اللَّهِ لِيُبَيِّنَ لِي  
 حَقِيقَتِي أَبَدًا عَلَى مُوَالَاةِكَ وَمَحَبَّتِكَ

لِيُبَيِّنَ لِي

وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكَ وَرَفَعَنِي شَفَاعَتَكَ  
وَجَعَلَنِي مِنْ جِبَارِ مَوْلَاكَ التَّابِعِينَ لِمَا  
دَعَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعَلَنِي مِنْ بَقِيَّةِ أَتْلَافِكَ  
وَلَيْلِكَ سَيِّدَاتٍ وَتَهْنِئَتِي لِهَيْدَاتِكَ  
وَأُحْشِرُ فِي ذِمَّتِكَ فَأَتَاكَ تَوَكُّلاً لِحَبْلِكَ  
وَهَادِي الأَبْرَارِ وَحُجَّةَ الْجَبَّارِ بِكَ  
فَتَحَّ اللهُ وَبِكَ تَجَمُّدُ وَبِكَ يُتَرَلَّى الْقَيْدُ  
وَبِكَ يُمَسِّدُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الأَرْضِ مِنَ الْإِلْهِ  
بِأَذْنِهِ وَبِكَ يَنْفَسُ الْهَمُّ وَبِكَ يَكْتَفِ الْفَقْرُ  
وَالْفَقْرُ وَعِنْدَكَ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ  
حَبِطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَالْبَيْتُ يَانَ مَلَأَهُ اللهُ

بِقُدْرَتِهِ

تُعِثُّ الرُّوحَ الْأَمِينُ أَنَاكَ اللهُ مَا لَوْثُوتِ  
أَعْدَاءِ مِنَ الْعَالَمِينَ مَا لَمْ كُلُّ شَرِّ لَعِبٍ  
لِشَرِّكَ وَتَجَمُّعُ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكَ وَخَفَعُ  
كُلِّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكَ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكَ  
وَاشْرَقَتْ الأَرْضُ بِنُورِكَ وَفَأَنَّى الْفَائِزُ  
بِقَوْلَاتِكَ بِكَ لَيْلُكَ إِلَى الرُّسُوفِ عَالٍ  
مَنْ مَحَمَّدٌ يَتَقَوَّى نَكَ عَضْبُ الرَّحْمَنِ بِأَمْرِي  
أَنْتَ وَأَمْرِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي كَيْفَ  
أَصِفُ حُسْنَ مَنَائِكَ وَأُحْشِرُ حَبْلَ بِلَائِكَ  
بِكَ أَخْرَجْنَا اللهُ مِنَ الدُّلِّ وَفَرَجَ عَنَّا



غَمَلِ الْكَرُوبِ وَأَقْدَنَّا بِكَ مِنْ  
 حُرْمِ الْأَهْلِيَّاتِ وَمِنْ النَّارِ يَا بَنِي  
 وَيَا زَيْنَ عَرَبِيَّ اللَّهِ إِنِّي إِلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ  
 حَوَالِجُ نَجْمَةٍ لَا أَدْجُو الْقَوْمَ بِهَا إِلَّا لِيُفْعَلَ  
 فَجِئْتُ مِنَ أَمْنِكَ عَلَى سِرٍّ وَأَسْتَعِيذُكَ  
 أَمْرَ خَلْقِهِ وَفَرَّتْ لَكَ بِطَاعَتِهِ أَشْفَعُ  
 عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَضَائِقًا فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ  
 الْمَقَامَ الْمُحْمَدِي وَالْحِجَاةَ الْوَحِيدَةَ وَالشَّاتِ الْكَبِيرَ  
 وَالشُّعَاعَةَ الْمُقْبُولَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي كَوَّجِدْتُ  
 شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ  
 الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ جَعَلْتَهُمْ

شَفْعَاءَ

شَفْعَاءَ إِلَيْكَ فَجَعَلْتَهُمُ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ  
 لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْئَلُكَ أَنْ تَدْخِلَنِي فِي حِمْلَةِ  
 الْعَادِ فَتَنْبِذَ بِهِمْ وَبِحَقِيمَتِهِمْ وَفِي رُفْعَةِ الْأَرْوَاحِ  
 تَنْبِذَ عَنِائِهِمْ إِنَّكَ أَنْحَرُ الْوَالِدَيْنِ وَصَلَّى اللَّهُ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ  
 الْمُتَجَبِّينَ وَسَلَّمْ وَسَلِّمْ كَثِيرًا كَثِيرًا أَلَمْ تَوَدَّ أَنْ  
 تَحْرَمَ الْعَالَمَ رَابِعًا بِغَيْرِ حُجْرٍ بَارِتَ نَاكِهِ لِبَيَانِ سَلَمَتِ  
 الْكُرْبَةِ أَرْوَدُ فِيهِ بِمَنْهُ وَسَمْتِ هَتِ كَدِيدًا زَادَ أَنْ سَجِدَ  
 نَاكِدَ مَضْمُونًا وَرَوْضَةً كَدِيدًا بَارِتَ أَرْوَدُ فِيهِ بِغَيْرِ حُجْرٍ  
 أَكْثَرُ مَهَلٍ وَرَطُولٍ وَأَقَادِرُ عَرَضٍ بَعْضُهُ لَوْ يَدُكُمُ الْبَارِئُ  
 تَاكِدًا سَنُونَ مَوَالِدَ أَرْوَدُ فِيهِ بِغَيْرِ حُجْرٍ

که بخیر از عاتق و غیر شریف آن حضرت خان نور  
بره نوزد عزیز پس دست بر آن ملک و در خانه با این طرز  
بگرد و چشمها و در حق سابر آن ملک که باعث شفا چشم  
میگردد و نثار الخیر را نوزد عزیز بجا بدارد حاجتها و غلظت را از  
دو گاه بار خفت خداوند عالم معصیت نماید و هیچ مطلب  
مفقور نیست که گفته شود که بخیر در دو طرف غیر نکل  
چهار دانه انار از پنج قرار داده اند و در فوق و در تحت  
و مراد از پنج حدیث دو عدد و نه خاندان است عطف فاند این  
عزیز است که موجه است در مجد شریف آن نور عالم ظاهر است  
که غیر موجه در عصر شریف انتخاب نیست بلکه ظاهر از پنج  
شاید در کتاب در وی آنست که استیجاب ایوانه و او در  
اینجاست و ثابت است و همچنین در زیارت سید است



السلام عليكم ائمة على اهل الدنيا السلام عليكم  
 الصوام في البرية يا الفسطاط اهل العفو السلام  
 عليكم اهل الحق السلام عليكم اسعد انكم  
 قد بلغتم وفتحتم وفتحتم في ذات الله  
 وكذا بسم واسمى اليكم صغوركم واسعد  
 انكم الائمة الزاوية من العهد قوت  
 وآيت لما عنكم مفرضة وانتم اولكم الهوى  
 وانكم دعوتكم فلم يجابوا وامرهم فلم يطاعوا  
 وانكم دعاءم الدين وان كان الامر بكم  
 نوالو يقين الله ليحكمكم في اجلاب كل  
 مقصود ويغفلكم في ارجاء الملكات لم

يتحكم

نعم

تدرككم وجاهلية المجلاء ولم ليونك فكم فان  
 الاهواء طيبتم وكتاب منكم من بكم علينا منكم  
 ربان الدين جعلكم في موبت ادت الله  
 فان ترفع ويدكو فيها اسمه وجعل ملذنا  
 عليكم رحمة لنا وكفارة لذنونا اذا احبناكم  
 لنا وطيب خلقنا بما من به علينا من لاسم  
 وكنا عنده مسلمين بفضلهم معن من بعد  
 اياكم وهذا مقام من اسف واحتمل  
 واستكان داني بما جف ورجى عفا  
 المجلاء وان يستفيد بكم مستفيد  
 الحلال من الرضى فان في شقنا  
 فقد رقت اليكم اذ رغب منكم اهل الدنيا

وذكر

مجان

وَأَخَذَ ذَاتِ ابْنِ اللَّهِ مَعَهُ إِذَ اسْتَلِمَ سَهْمًا  
 بِأَمْرٍ هُوَ قَائِمٌ لَاسْتَوْفَ وَدَامَ لَا يَلْهَوُ  
 وَتَحِيَّةٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْبَتَى بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ  
 عَزَمْتَنِي فَمَا اسْتَمْسَكْتُ عَلَيْهِمْ إِذْ صَدَّقْتَهُمْ  
 عِيَادَتِكَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَفْهَمُوا حَقِّقَتَهُمْ  
 وَمَا لِيَ إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتْ الْمَنَّةُ مُنْدَ عَلَى  
 مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ تِلْكَ  
 أَتَمَّ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي عَقَابِي مَذْكُورًا  
 فَلَئِنْ بَادَ لَا تَحْرِمَنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تَنْفَكْ  
 فِيمَا دَعَوْتُ لِي بِإِذْنِكَ بِرُحْمَةٍ خَامِرَةٍ وَأَرْزُقْ زَادِي  
 حَتَّى يَكُونَ رِجْلِي رَوَاعَاتٍ مَبْرُكَةٍ يَتَوَانِ لَهَا لِي بِرُحْمَةٍ  
 السَّلَامُ عَلَى سَيِّدَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْنَاءِ اللَّهِ

والله

وَأَحْيَانَهُ السَّلَامُ عَلَى أَصْدِيائِهِ وَخَلْقِهِ  
 السَّلَامُ عَلَى قُلِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى  
 مَسَائِي رِغْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَطَاهِرِ  
 أَمْرٍ اللَّهِ وَنَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ  
 إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى السُّقَرَةِ فِي مَنْ  
 صَادَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَضِرِينَ فِي مَا  
 اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ  
 عَلَى الَّذِينَ مَنَى وَالْأَهْلَ فَقَدْ وَالِي اللَّهِ  
 وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ وَمَنْ عَصَاهُمْ  
 فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ جَاهَلَهُمْ فَقَدْ جَاهَلَ اللَّهَ  
 وَمَنْ أَعَادَهُمْ فَقَدْ أَعَادَ اللَّهَ



وَمِنْ خَلْقِهِمْ تَقَدَّسَتْ لَكَ مِنَ اللَّهِ امْنَهُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا سَلَامٌ لَكَ سَلَامٌ وَصَلَّى لَكَ  
خَادُوكُمْ مَعِي مِنْ لَدُنِّي وَعَلَيْكُمْ  
مَقُودُونَ فِي ذَلِكَ خَلْقَ الْيَوْمِ لَكَ اللَّهُ  
عَدُوٌّ لَكَ مُحَمَّدٌ مِنَ الْيَوْمِ وَالْآلِ  
أَبْنَاءُ إِلَى اللَّهِ صَلَّوْا وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَعَلَيْهِمْ زِيَارَاتُ دُرِّ مَرْكَبِ الزَّامَكِيِّ بِرُوحِ  
مُسْتَوْدَعِ مَرْكَبِ اِرْثَمُ عَلَيْهِمُ زِيَارَاتُ جَاوِدِ  
كَهْ كَالِ تَرْجَمِ زِيَارَاتُ خَلْقِ كَدْرِ جَانِ زِيَارَاتُ  
كَهْ وَدَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
اَتَمُّ لَقْعَةٍ مَقْدَابِ لَيْتُ كَهْ زِيَارَاتُ  
فَرْدِ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ

وَقَالَ لَكَ مَعِي دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
سَرْ لَقْبِ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
جَابِ غَرَّةٍ وَدَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
اَللَّهُ عَلَيْكَ يَا عَمُّ وَنَسُوْلُ اللَّهِ وَحَمْدُ اللَّهِ  
عَلَيْكَ يَا اَمْسَدَ اللَّهِ وَاسْمُ اللَّهِ وَنَسُوْلُ اللَّهِ  
وَدَرْ جَاهِلَاتٍ فِي اللَّهِ وَنَسُوْلُ اللَّهِ وَحَمْدُ اللَّهِ  
نَيْفِيكَ وَطَلَبِ مَا عِنْدَ اللَّهِ وَنَسُوْلُ اللَّهِ  
لَعْدِ اَنْفِ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
وَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
بَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ دَرْ  
نَقِيْلُكُمْ تَنْبِيْلُكُمْ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ لَحِيْلُكُمْ  
نَقِيْلُكُمْ وَنَحْمِلُكُمْ مِنْ اَلَا دَلَالِيكُمْ

تَكُنْ فِيهِ الْمَرْءُ وَالْأَسْرَى وَتَسْتَعْلِفُ كُلَّ نَفْسٍ  
 بِمَا قَدَرْتَ وَتُجَادِلُ كُلَّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنَّ قَوْلِي  
 أَنُفُوسٌ فَلَا صَرْفَ عَلَى وَالْأَمْرَ وَإِنْ تَقَابَلْتُ  
 فَوَ لَا يَأْتِيكَ الْقُدْرَةُ عَلَى اللَّهِ فَلَا تَحْجِبْنِي الْقُوَّةُ  
 وَلَا تَقْرَبْنِي قَبْرِي حَاجَتِي قَدْ لَبِثْتُ قَبْرِي قَبْلَ تَبْلِي  
 وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ أَيْقَاءَ مَرْضَانِكَ وَرَبَّاءَ مَحَبَّتِكَ  
 فَتَقَبَّلْتَنِي وَمَدَّ يَحْيَاكَ عَلَى حَجَلِي وَبَوَاقِكَ عَلَى  
 حَيَاتِي نَفْسِي قَدْ عَظُمَ حَرْبِي وَمَا أَخَافُ أَنْ تَقْلُبْنِي  
 وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ فَإِنْ قَرَأَ الْقَوْمُ الْقُرْآنَ  
 عَلَى قَبْرِ عِمِّي تَبَيَّنَتْ مَرْضَاتِي لَهُمْ فَهُمْ يَكْنِي قَوْلَهُمْ  
 لَا تَحْبِبْ سَعْيِي وَلَا تَهْوِنْ عَلَيْكَ أَمْرِي  
 وَلَا تَحْبِبْ وَلَا تَحْبِبْ مِنْكَ قَوْلِي وَلَا تَقْلُبْنِي قَبْرِي حَاجَتِي

بِالْبَيِّنَاتِ كُلِّ مَكُونٍ وَحَرْبِي بِأَمْرِي عَنْ  
 الْقَهْوَةِ الْحَيَاتِ الْغَرِيبِ الْغَرِيبِ الشَّرِيفِ عَلَى  
 الْهَلَكَةِ قُلْ عَلَى حَقِّي وَأَهْلِي نَبِيٍّ وَأَنْتَ إِلَهِي الْقَهْوَةِ  
 لَا أَسْتَعِينُ بِهَا أَبَدًا أَوْ أَدُمُ الْقَهْوَةِ وَغَيْرِي  
 وَأَنْتَ أَوْ فِي مَقْدَرِ حَيَاتِي وَمَا لَكَ وَحْدَتِي  
 الْحَيَاتِ الَّذِي لَا يُطْعِمُهُ أَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا  
 تَقْرَبْنِي قَبْرِي حَاجَتِي قَدْ لَبِثْتُ قَبْرِي قَبْلَ تَبْلِي  
 وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ أَيْقَاءَ مَرْضَانِكَ وَرَبَّاءَ مَحَبَّتِكَ  
 فَتَقَبَّلْتَنِي وَمَدَّ يَحْيَاكَ عَلَى حَجَلِي وَبَوَاقِكَ عَلَى  
 حَيَاتِي نَفْسِي قَدْ عَظُمَ حَرْبِي وَمَا أَخَافُ أَنْ تَقْلُبْنِي  
 وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ فَإِنْ قَرَأَ الْقَوْمُ الْقُرْآنَ  
 عَلَى قَبْرِ عِمِّي تَبَيَّنَتْ مَرْضَاتِي لَهُمْ فَهُمْ يَكْنِي قَوْلَهُمْ  
 لَا تَحْبِبْ سَعْيِي وَلَا تَهْوِنْ عَلَيْكَ أَمْرِي  
 وَلَا تَحْبِبْ وَلَا تَحْبِبْ مِنْكَ قَوْلِي وَلَا تَقْلُبْنِي قَبْرِي حَاجَتِي





در حق تو شوق بعد از آنکه شربت اقامت بر من زانوی تو  
 نیت جگر بجز آنکه تو که بخواه بعد از من که در دلم  
 نمک من بدو صید خرابه رسیدم بوفت از لاله انجا  
 گفتند که ای شربت ابراهیم هست در هر چه صید  
 نماز کردیم و چه نیت ابراهیم هست که در سبب  
 دیگر مدینه و ایق است و صید فتح خیر کوی  
 در ای صید نیت است که انبیه یونان بیا  
 صَاحِبُ الْمَلِكِ وَبَيْنَ يَدَايِهِ عَصَا  
 الْمَضْرُوبِ الْكَفِّ عَمَّ وَفِي  
 وَكَانَ فِي شَأْنِ كَفِّتِ بْنِ بَيْتِ كَهْ  
 وَغَمَّةٌ وَكَانَ بِهِ فَكْفَتَهُ هُوَ لَعَلَّيْهِ  
 فِي هَذَا الْمَكَانِ هُوَ مَا تَدَارِكُهُ هُوَ مَا تَدَارِكُهُ

ابراهیم

یا التوالت لبست من حضرت قاید و در تب جفا  
 ست است نزد ستونیکه قاید خرابه که ضربت است  
 و اگر ممکن بنده که کس اعتقاد قاید و در ای سبب  
 سبب و در اول نزد ستونیکه قاید و در ناله نزد ستونیکه  
 یا اوست و جانب من و ما نزد ستونیکه قاید و در سبب  
 و آنچه که در مقامات بسیار ضایع است و در سبب  
 و در میان و در است و در سبب مدینه و در سبب  
 نیز ابراهیم و در سبب و در سبب و در سبب  
 بفرستاد رسول خدا ام بعد از زیارت السور در عالم و در سبب  
 که از خلق عالم جلالت نه در مقام و در سبب  
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ الْخِرَافَةَ فِي زِيَادَةِ  
 قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَقَّيْتَهُ قَبْلَ ذَلِكَ



فَاِنِّي اَشْهَدُ لَكَ بِمَا جِئْتَ بِهِ عَلَى مَا سَمِعْتَهُ  
 عَلَيْهِ فِي حَبْلَانِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
 وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّاهُ  
 عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ  
 اَخْرَجَ قَلْبِي عَلَيْكَ وَرَفَعَهُ دَرَجَةً  
 بِفَضْلِهِ لَمْ يَزِدْ رِجَالِي وَنَزَلَتْ رِجَالِي  
 مَوْجِعَ لَا سَمِيْعٍ وَلَا قَائِلٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
 وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ  
 سَلَامٌ عَلَيَّ عَمَّا رَأَيْتُ مِنْكُمْ وَلَا تَكُنْ  
 بَيْنَكُمْ وَلَا مَعَكُمْ قُلُوبِي عَلَيْكُمْ قُلُوبِي لَا تَخْفَى  
 وَلَا تَأْخِذُ فِي قُرْبِكُمْ وَلَا جَعَلَنِي اللَّهُ  
 اَخِيًّا لِعَهْدٍ مِنْ زِيَارَةِ قُرْبِكُمْ قُلُوبِي  
 عَلَيْكُمْ وَغَفَرْتُ لِقَوْلِي لِنِعْمَتِكُمْ وَقَالَ اللَّهُ

٢٣  
 بِحُبِّكُمْ وَأَعْلَى كَعْبِي بِمَا لَا تَكْمُ وَشَرَّفْتِي بِحُبِّكُمْ  
 وَاعَزَّنِي لِحُبِّكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ أَهْلِ قَلْبِ مُفْلِحٍ  
 مُجْتَمِعًا غَايَا سَالِمًا مُعَاوَنِيًّا فَاِنَّ ابْنِ ابْنِ اللَّهِ  
 وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِيهِ بِأَفْضَلِ مَا يَتَقَلَّبُ بِهِ أَحَدٌ  
 مِنْ زُيَارَتِكُمْ وَمَقَالِكُمْ وَحُبِّكُمْ وَسُبْحَتِكُمْ وَرَفْعَتِكُمْ  
 الْعَوْدَ أَبَدًا مَا أَبْقَايَ رَحْمَتِي بَيْتِي صَادِقِيهِ  
 وَإِيمَانِي وَتَقْوَى وَإِحْسَانِي وَبِرِّي وَسِعَ حِلَالِي  
 لَمِيبِ اللَّهِ لَا تَجْعَلُهُ أَخِيًّا لِعَهْدٍ مِنْ زِيَارَتِكُمْ  
 وَدُرِّيهِمْ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ  
 وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَاتِ وَالْفَوْزَ وَالنَّوْزَ  
 وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْإِجَابَةِ كَمَا أَوْجِبْتَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَالَمِينَ حَقِّقْهُمُ الْوَحِيدِينَ  
 طَاعَتَكُمْ الْوَحِيدِينَ فِي دِيَارِهِمُ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ  
 وَالْيَوْمَ بَابُ انْتِقَالٍ وَأَمْنٍ وَنَجَاتٍ وَأَهْلُهَا  
 اجْعَلُونِي فِي هَلَكُمُ وَصِيَّةٍ وَفِي حِرْ بَلَاءٍ  
 أَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ وَأَذْكُرْنِي فِي عِنْدِ  
 رَبِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْلُغْ أَمْرَ  
 آتِ وَأَحْسِنْ وَأَجْزِلْهُمْ مِنْ السَّلَامِ عَلَى النَّبِيِّ  
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ  
 عَلَى سَيِّدِنَا وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَحَسْبُنَا  
 اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ

اَعْلَمُ كَلِمَةً رُبَّهَا آدَابُ احْرَامِ عَمْرَةٍ مُتَعٍ وَحَدِّ مُتَرَكِّهِ وَادْعُ  
 اَزْوَاجَهُمْ مَقَرَّ دَلَاهِ بَارِئِ حِلَّتِ نَهْدِ بَاقِرِ الْمَوْسَمِ مَرْغُومِ كَرْدِ  
 وَدُرِ رَنْجِ غَايَةِ اَطْبَاطِ مَطْوَراتِ هِدَايَةِ كَلِمَةِ اَزْوَاجِ بَاغِدِ  
 مَوَاقِفِ نَدَمِ هَسْتِ بَرِشْتِ حُرْمَةِ ارَادَةِ احْرَامِ دَارِ نَدَمِ  
 عَمْرَةٍ مُتَعٍ نَائِدِ مَرَادِ بَعْدَةِ مُتَعِ احْرَامِ وَلَهْوَافِ بِلَافِ اسْرُودِ  
 نَارِ طَهْوَافِ وَسُورِ بِلَافِ الْعَقْدِ الْمُرُودِ وَتَقْصِيرِ لَهْزِ مَوَاقِفِ  
 بِرِ بِنِ جَدِ نَهْدِ هَسْتِ وَجِبِ كَلِمَةِ عَمْرَةٍ مُتَعٍ مَرْغُومِ هَسْتِ تَحْجِ مُتَعٍ  
 لَهْزِ انْتِسابِ اَنْبِثِ وَعَمْرَةٍ مُتَعٍ النِّفَاسِ كَجِ مِرْغَمَانِدِ  
 لِسِ نَبِ حَبِيبِ نَائِدِ كَلِمَةِ اِيْتَانِ بَعْدَةِ مُتَعٍ كَلِمَةِ مَعْبَرِ  
 وَرَجِ مُتَعٍ كَجِمَةِ اَعْتِنِ اَمْرُودِ وَنَدِ حِلَّتِ نَهْدِ بَاقِرِ الْمَوْسَمِ مَرْغُومِ  
 وَجِبِ نَبِ بَعْدِ اَزْوَاجِ اَزْوَاجِ عَمْرَةٍ مُتَعٍ اِيْتَانِ بَعْدِ مُتَعٍ خَوَانِمْ  
 خَرَبَةِ اَللَّهِ اَعْلَمُ وَكَلِمَةِ نَائِدِ كَلِمَةِ اِيْتَانِ بِاحْرَامِ وَنَدِ



که بود رکعت نماز طواف و سوره بقره و احرام حج و وضو و غیره است  
 در سفر و احوال و در هر حالت عقیده و قریب به حلقی یا فقیر و طواف حج  
 و در رکعت نماز طواف و سوره بقره و احرام حج و وضو و غیره است  
 رکعت نماز طواف آن و عبودیت و من و ربیب از او هم و در رکعت  
 و در هر حالت غنچه در روز یا از او هم و در رکعت نماز طواف  
 و بعد از این نیز نیست سنت است که تلفظ این کلام نماید **اَللّٰهُمَّ**  
**اِنِّیْ اُرِیدُ التَّعَمُّدَ بِاَلْعَمْرِ اِلَیْ اَلْحَجِّ عَلَیْ کِتَابِکَ**  
**وَسُتَعِیْنُکَ فَاِنِّیْ عَرَضْتُ لَیْسَ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُ**  
**بَحْثٌ فَلَیْسَ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُ** بعد از آن تسبیح نماید  
 بمقدّمات احرام مثل تطهیر بدن از عبا و وجوه و دست و پا  
 گرفتن و نوره کشیدن و بدن و بعد از آن غسل احرام نماید  
 و نیت غسل باید بخواند که غسل احرام عیالیم قریبه الله تعالی

یعنی

و قبل از غسل وضو از او بعد از آن غسل نماید و قبل از غسل وضو  
 احرام بیعت نماید که مثل گفت و بگوید مثل روایت از ائمه و هر  
 بر طرف آنرا از این نوعی بر آورده بر هر نیتی که بخواهد از آنجا  
 و در وقت اراده بپوشید و در جهاد با بنی امیه و بنی عباس  
 احرام بپوشید و حسب قریبه الله تعالی و بعد از آن تسبیح  
 طویض است است و در هر دو رکعت یک سلام و اگر هر دو رکعت  
 نماید بعبادت و در هر رکعت اول بعد از سوره قل یا ایها الذین  
 اٰمنوا کلمه قل هو الله احد ثم یقول الله و بعد از آن تسبیح احرام نماید  
 بخواند **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ**  
 چنان نماید که هر یک از اینها در عمره منع از حدیث بر نهند و  
 و در وقت بر آن نهند و در دست بر آن نهند و در کف آن نهند  
 و در خود آن نهند آن و از خود آن جوهر و نهند آن و از خود آن  
 نهند و مفارقت نهند و بپوشد و آن و از خود آن نهند





از اینجا ضرورتیست و حق زن و هم چنین است حرمت ستر  
 زان و ستر نیست با اینست مرد و نیز از خواص مرد است خیار زن  
 حرمت ستر و ستر است و مرد و حرام است پس بخیزد است که مرد  
 آنها خرق بر جالت ستر است و ستر نیست با سید برادر  
 و او در سید راه رفتن و کوشیدن و خیزدن و خیزدن و خیزدن  
 ستر و چه و مرد و حرام نیست پس زن در وقت قضا احتیاج  
 ظاهر است نیز از خواص زن است حرمت آن نسبت به مرد  
 احتیاجی است بحالت احرام ندارد و مستحال است بیک از با و بعد  
 و رجحان موقوفه از راه آنست که ستر و ستر و ستر و ستر  
 واجب است ابتدا بپوشیدن موقوفه تا بداند چه حرام است و چه حرام  
 از کلمات جماعه از فقها و علما آنست که علیهم السلام و حرام است  
 نظر باینکه عمره را بپوشیدن موقوفه اند بپوشیدن موقوفه و مستحب است  
 عمره موقوفه فرض اهل کلمه است و عمره مستحب بها فرض تمام است  
 قال فی الشرائع تفسیر الی متمتع بها و موقوفه فالاکمل  
 نظر

تجب علی من لبس من حاضی المسجد الحرام الی  
 ان قال و المفردة فلیحاضری المسجد الحرام الی ان  
 قال لکن طاهر است که حرام است بهیچ وجه و المستند فی الحقیقه  
 عموم المستند فی الصحیح المروی فی الکافی عن معاذ بن  
 ابن عمار عن ابی عبد الله قال العرق واجبہ علی الخلق  
 بمنزلة الحج علی من استطاع لان الله عز وجل يقول  
 و اتمتعوا بحج و العمرة الی الحج و العمرة لله و انا قلت العرق  
 با المدينة قال قلت له من منع بها العمرة الی الحج  
 ۱ یجزی و الداعیه قال نعم و المراد من قوله من استطاع  
 الاستطاعة للعمرة و عمره یشمل ما نحن فیه و غیره  
 و بدل علیه و لیس قوله تعالی نعم فی جواب قوله  
 قلت له من منع بها العمرة الی الحج یجزی و الداعیه

اذ المظاهر من هذا السؤال ان السائل اعتقد بان  
 العرق على الثاني لبطا لائق الداعي على السؤال ان العرق  
 المتبع بها هل تكون مجزية عن العرق المفترضة ام لا وقوله  
 عليه و اجاب بما حاصله ان مع الايمان بالعرق  
 المتبع بها لا يجب الايمان بالعرق المفترضة الى بل يكون  
 المتبع بها مجزية عنها و اوضح منه في الدلالة على المرام  
 الصحيح المروي في الكافي عن الحلبي عن ابي عبد الله قال  
 اذا سمع الرجل بالعرق فقد قضى عليه من فرضه العرق  
 وجه الدلالة هو ان العرق المتبع بها انما هي في حق النا  
 وقد حكى في ذيل الحديث بان الايمان بالعرق  
 المتبع بها مسقط لما عليه من المفترضة والاذمنة  
 وجوب المفترضة في حق الثاني لبطا فلا تكون محضه  
 بحاصر المبدأ الحرام ان قلت ان الثاني قد آ

بالعرق المتبع بها فلنكون مبيطة من العرق المفترضة في مقفه  
 لبطا فلناضل الثاني لكونه نائباً عن النوب عنه يترب  
 التمر عليه بالاضافة اليه لا بالانتماء الى الثاني  
 و المفروض انه ممن استطاع الى العرق فوجب عليه وهو  
 المراد و يدل عليه لبطا ما و قوله في الكافي عن محمد بن  
 ابي نصر قال سئلت ابا الحسن عن العرق الواجبة  
 هي قال نعم قلت فمن تمتع بجري عنه قال نعم وجه الدلالة  
 يظهر مما مر مضافاً الى قوله نعم مع ترك المفترضة بان  
 الثاني وعينه و اما عبارة الشيخ فانه فيها ما يوجب  
 الى ان وجوب العرق ثابت في حق الثاني لبطا فانها  
 هكذا تنقسم الى متبع بها ومفترضة في الاولى يجب  
 على من ليس حاضراً المبدأ الحرام ولا يقع الا  
 في اشهر الحج وتسقط المفترضة معها الى اخره فان قوله



ونفقط المفردة منها الى اخرى بقتض ان المفردة قد  
 في حق الثاني لبطال لاكتفاء نفقة بفعل العدة المتع  
 بها ففعل هكذا يكون الملام من قوله وتلقى المفردة  
 الى اخرى ان المفردة لازمة على حاضري المحدث  
 لبطال خلاف المتع بها فافقها لا يجب الا على من  
 من حاضري التجدد الحار والعبادة لا يخلو عن مساهمة  
 والا على مبادنة في النافع فافقها دالة على وجوب  
 العدة على كل مصلح قال المفصلة في المفردة وهي حجة  
 في العمق على كل مكلف بالتتابع المعينة في الحج  
 نسأل بر كاه كعب ما لب جد از فراغ اذا عزمه منع منع  
 بما فعل من انما انما بمره مفردة بما به ملكه لا درست ما فرغنا  
 ناسك بعد از فراغ ان عزمه منع وهو مفضل بعد ان الفضا  
 عشرة ايام شرع بما به بمره مفردة افراد حبيب فاهر ابي  
 ان خلافت ما بين حضرا بجهار قول بعضه لغيره فلهذا  
 عزمي

عزمي ونفقت من كرهه انه فصل عشره ايام ميان دو  
 عزمه وبقية معتبره لانه فصل يكماه وبقية معتبره لانه  
 فصل لانه وبقية فاهر ابيت وبعده مفردة لانه  
 من مطلق عزمه لانه اقامه من كلمات اكل اصحاب  
 والنصوص الواردة في الباب بل بعض العبادة  
 كما اقيمت في ذالك فانه في السرايع وسبب المفردة  
 في كل شخص واقلة عشرة ايام يمكن ان ياتي بغير  
 بينهما اقل من عشرة وقيل يحرم والا لانه  
 ما روي في الكافي عن علي بن ابي حمزة قال سئلت  
 ابا الحسن عن رجل يدخل مكة في السنة المدة والمائة  
 او اربعة كيف يصنع قال اذا دخل فليدخل بيتا  
 واذا خرج فليخرج مجلأ قال وكل سنة عزمه نفقت

يكون اقل قال فكل سنة ايام عمره بنا براني  
 فرضي فكم فانه اذ عمره شيخ وروى عن محمد بن  
 رزاسين وروى عنه انه ايمان بعمره مفردة فأيده بكمه فافتر  
 مكنت لظواهره فانه قال في النسخ وجوب  
 العمرة على الف من سنو لم اذ في معتبر وعمره  
 وانه جواب رقا وعمره شيخ وحيث معتبر في  
 ومردف بين الاصل بكمه قال بخلاف من غيره انهم  
 جازيهم من عدم اعتراف من فخره انه لا يعنى معتبر انهم  
 اظهروا حجة تمام فالحق براني است كونه شيخا وروى في بعض  
 انهم بكمه فكل من لم يقد الله كنه قال في بده است بانكم طواف  
 ف وروى عنه شيخ وجوب است واني قول باخبره قال  
 شاذ وضوح است اما في مفردة طواف فانه وروى في الاست  
 على المصلين الصالحين في الطواف فانه في الاست  
 من انهم

ستران  
 ٢

المصنف

موسى الزاوي الى ان جل بكلمة عن العمرة المتبولة  
 هل على صاحبها طواف الف والعمرة التي تمنع بها الى  
 الحج فكتب اما العمرة المتبولة فعلى صاحبها طواف الف  
 واما التي تمنع بها الى الحج فليس على صاحبها طواف الف  
 بنا براني اما من عمره فمتنع بها عمره است واهلوم وطواف من است  
 هفت شوط وروى في فاذ خلف مقام ابراهيم وروى في الحفا  
 فله وروى هفت مرتبة وفضل عمره مفردة مثل عمره تمنع بها است  
 بانها طواف ف وروى في فاذ طواف ف وروى في  
 وروى في ف وروى في ف وروى في ف وروى في ف  
 اودم صورت داره وحيث لازم انهم في اول روى في ف  
 بعد ان ف وروى في ف وروى في ف وروى في ف  
 بعمل بنا وروى مثل انكم اول ف وروى في ف وروى في ف  
 بانكم في ف وروى في ف



به شکست و آنم در شوق عقاب است کفن طاهر اعیان  
 تحت خج و عدم و جوب اعاد است اگر چه بالقادر و قسطن  
 بنده قال فی التوابع و توثیب هذه المناسل و جب  
 بعد الحق التی فی الذبح قد الخلق قد قد و بعضی ما علی بعض  
 انور و لا اعاده و بدل علیه وضا قال فی دعوی الاجماع علیه  
 صحیح و جلیل و دراج عن ابی عبد الله الله قال ان یقول  
 انا انا صی و فی الحق فقال بعضهم یا رسول الله حلفت قبل  
 ان اذبح و قال بعضهم حلفت قبل ان اذی فلم ینر کثیرا  
 کان ینبغی لهما ان یقتضوا الا اذی و لا ینبغی لکافی  
 لم ان یقتضوه الا اذی و فقال لا حرج اگر چه در دولت  
 بر عدم و جوب اعاد شکست می تواند گفت نظر به مظهر و کمال  
 در مصلحه با و در اجماع اعتنا بآن شکست نیست و سوال هرگاه  
 کسی ذبح کند در من حیض فراغ جانده است خلق را می نماید  
 اگر چه

عوار علی

یا جواز خلق موقوف بر اینکه قسمت نماید کونست یا حیض  
 تحت حیض طاهر نیست که حیض فراغ اذ ذبح خلق می تواند نمود  
 آیه شریفه و لا یخلقکم منکم حتی یتبع الهدی محله  
 این نیست که لازم باشد یا حیض خلق نماید کونست آن پیش  
 برسد بلکه طاهر نیست که مراد از این باشد که یا حیض خلق نشود یا رسیده  
 هدایت و کج آن دوی عربین بنی بد عن ابی عبد الله  
 اذ اذبح اصحیح فاحق و اصل بکه مستغفار از بعضی  
 اخبار این است که همان فریدنی اضحی کفایت میکند در جواز خلق اگر  
 چه طاهر باشد معول به نیست دوی فی الکافی عن علی بن  
 ابی حمزه عن ابی الحسن قال اذ اذبحت اصحیح  
 و ذبحت غنمها و صادت فی و حاک فقد بلغ  
 الهدی محله فان احبب ان یخلق فاحق و سوال

هرگاه ترک خلق یا ترک تقییر نماید و طواف نماید آیا اعاده  
 طواف لازم است بعد از خلق تقییر یا نه چنانچه ترک خلق  
 سهواً باشد یا مقصوداً اگر چه آنکه عذر باشد یا نه منکر کمال  
 میزوم یا غیر طواف حج از تقییر یا خلق از بیان طواف غایب قبل  
 از تقییر در صورتی لازم است بیکسوف و قریباً یا بعد للقیح  
 المردی عن ثعلبی مسلم عن ابی حنیفہ فی جبل  
 زاد البیت قبل ان یخلق فقال ان کان ذوالالبیت  
 قبل ان یخلق و هو عالم ان ذالک لا یلتقی فان علیہ  
 در مشاء و اما اعاده طواف بعد از خلق یا تقییر طواف کمال  
 بسیار از فقہاء اگر چه عدم لزوم است لکنی ستمید نماید و رسالت  
 و عدم اجماع بر وجوب اعاده و هو المذلول علیہ الحج  
 المردی عن ثعلبی یقولین قال سئلت ابی حنیفہ عن  
 المذابة و من و ذی حجت و لم یقصر حتی زادت  
 تقییر

السنه

البیت فطافت وسعت من اللیل ما خالها و ما احاط  
 الی جبل اذا فعل ذالک قال لا بأس به یقصر و یطوف  
 فی الاطلاق لئیل ما خلت فیہ و فقیہ شیمان بعد ترک  
 الاستفصال و اگر سهواً التقییر نماید کفارہ لازم نیست لکن اعاده  
 طواف بعد از خلق یا تقییر لازم است و هم چنین است در صورت  
 جهل کفارہ و واجب نیست لکن اعاده طواف لازم است نظر  
 باصالة عدم امتثال مضافاً الی اطلاق صحیح علی  
 یقولین السالفه متولی بر کاه که بعد از فراغ از خلق یا تقییر  
 در هر چه عقیده خود نموده بجهت طواف حج و سو طواف  
 و چون عود نموده عود ساعت یا سه ساعت از بیت باز و هم  
 که شده بود آیا کفارہ بر چنین شخصی لازم است یا نه  
 ظاهر اینست که کفارہ در چنین صورت لازم نمیباشد



نظر في كونه راجعاً الى اختياره وكلماته اشارة الى ان من كان  
 في جنوده ورجل من فدايهم لم يترك كوكباً من كواكبهم في  
 كافي حجة على ابن حبيب من اخيه عن رجل يات  
 بمكة في ليالي من حق امير قال ان كان انا فهاها  
 فهاها فهاها حتى امير عليه ربه في ربه وفداها  
 وجوب الدار على البيوت بمكة حتى امير ومفتاح  
 انتفاء الدار عند انتفاء البيوت الى القبح فلا يلزم  
 فيما اذا مات بمكة لم يبق في قبض الليل بل كلامه  
 في قبض الله وهم انت واما كذا ره ظاهراً في  
 بغيره في قبض الله انت كذا في ربه في ربه في ربه  
 انت كذا في ربه في ربه في ربه في ربه في ربه  
 كذا في ربه في ربه في ربه في ربه في ربه  
 عن ابي الحسن انه قال سالتني بعضكم عن رجل

بات ليلة من ليالي مني بمكة فقلت لا ادرى فقلت  
 جعلت فداك ما تقول فيها فقال عليه ربه اذا مات  
 فقلت ان كان انا حبيب مناته الذي كان فيه من  
 طوافه وسعيه لم يكن لنومه ولا لثمة عليه مثل ما على  
 هذا قال ليس هذا بعين له هذا او ما احب ان يفتق  
 له الفجر الا وهو بينه وبينه معاوية بن عمار انه سأل  
 ابا عبد الله عليه السلام عن رجل ذاك البيت فلم يزل في  
 طوافه ودعائه والتعوذ الذي عاين طلع الفجر قال ليس  
 عليه شيء كان في طاعة الله عز وجل وقوله كان في  
 طاعة الله تعالى للمحرم فيقبض ثبوت المحرم في الانتفاء  
 بكل طاعة فاذ انتفى الاثر عن البيوت في كل  
 ليل في غير الله عند الانتفاء بالعبادة ففي بعض  
 الليل في غير الله في الاول واما في ربه في ربه في ربه

[illegible][illegible]



و یک جایز نیست و طلب اگر مظنه اندازد که با غیر ممکن از رفتن خواهد  
 با غیر جایز نیست و اما با غیر جایز نیست مشال شخصی غایب که موقوف  
 شده بعد از بیع بیعتات خود شده حکم غیر ممکن در این مورد است  
 وجوب بر گاه خود است شخصی بعد از اهرام و دخول حرم فقه باشد  
 بنزد کسی که بیع اضافی حج از وی عمل آمده باشد بر قضا رنج  
 چنین صورت لازم نیست خواه حج از فقه باشد یا از غیر و اما بر گاه  
 قبل از اهرام فقه باشد قضا لازم نیست ام چنین است بر گاه بعد از اهرام  
 و قبل از دخول و حرم فقه باشد بنا بر این صورت سوال شخصی حج بر او  
 فقه و تا خبر و ادراک حج فقه در این اوقات پیش عرض شده که تا آن  
 مرتبه ساقط است نسبت که عطف و در حق او ممکن نیست در غیر صورت که گاه  
 وجوب در صورتیکه ممکن از رفتن بکند حکم فقه باشد و احتمال ممکن  
 بعد از این هم قائم فقه باشد لازم نیست تا به تعیین فقه باشد  
 ارجح نماید و اما در صورت احتمال ممکن از حج بنفس فضا بعد

علاوه

مکرم و وجوب استنباط ممکن نیست و این در صورتیکه که هزار مرتبه  
 مسجده فقه باشد و وجوب حج و زعم این شخص چنانچه مخصوص در سوال است  
 و اما بر گاه چنین فقه باشد بلکه ممکن از زود و واحد مسجود بعد فقه باشد  
 و در مسجده واحد فقه باشد و اما پس از زود ال عذر فقه الاستقبال فقه  
 در این صورت و وجوب استنباط محل خلاف است احتیاط مقتضی  
 استنباط است اگر چه حکم وجوب منحل است استواء در طواف حین  
 ابتداء از اول جزء حرام الا که نماید یا نه وجوب اگر چه بقول علی حکم  
 وجوب استنباط در طواف از اول جزء حرام الا که فرماید که یکی از شرط  
 با عطف حقیق لازم نیست بلکه الله که لازم است آن است که ابتدا نماید  
 در طواف از حرام الا که با توضیح که ابتدا فقه منم بآن موضع نماید اما  
 اگر لازم فقه باشد که ابتدا طواف از اول جزء از حرام الا که فقه باشد  
 چنان نیست بلکه رعایت آن فضا نیست مقتضی در حضور فضا باشد  
 اکثر خصوصاً در این اوقات که اول جزء اول حرام الا که فقه باشد

سه سوال در طواف لازم است که در جمیع اجزای طواف است مگر این  
 در پیش خفی مطهر و بیت و جمیع جوارب است و در هر یک باید باشد  
 حیاتی آنچه لازم است اینست که طواف در امتداد یکدیگر باشد  
 مقام حضرت ابراهیم و یاقین بیت است و دفعه چهارم  
 ساعات ماست و جمیع اجزای طواف لازم نیست بلکه کمال  
 نیت و در حضور و یا نیت و یا سه سوال که در او ایستاده  
 الحرام از اعلا عمره متعجبا فارغ شد و قیل شده آیا جایز است  
 قبل از آنکه محرم شخص متعسر بر سر باشد یا نه بگوید بقتضای کبریا  
 و اتمی الحج والعمرة لله فان احصرته فما استلبت منه الهدی  
 ولا تمکون اروهکم شیء بلیغ الهدی محله وضع از حلق  
 قبل از قربان بخوان و رنجه نباید بر نیز بعد از فراق از احرام عمره جایز  
 نیست حتی راس نماید اگر چه قبل از احرام به حج نیت نموده اند  
 فصل مابین فراق از عمره و احرام به حج علاوه بر نیت قبلی است که اگر

از او ایستاده

از آنکه جهلی محمله حلق نماید کفار و لازم نیست سه سوال حکم نیت و طواف  
 بیان نماید خوب نیست در طواف با در نفس طوافت با نیت  
 که نیت میکند طواف کرده است یا نه و در عدد و شواط آنست پس  
 نیت در طواف منقسم میشود به دو قسم اول آنست که نیت مطلق  
 بنفس طواف بمنتهی که مذکور است میگوئیم اینست که از نیت نیت  
 قبل از ایستادن بعزیت یا بعد از قبل از ایستادن بعزیت فهمیده  
 ایستادن بطواف لازم است و اگر بعد از ایستادن بعزیت اعتنا نماند  
 نیت نیت بنا بر وقوع مشکوک جنبه میکند و بلکه دو نیت که  
 حکم جنبین فهمیده است اگر چه بعد از ایستادن بر کعبه طواف فهمیده  
 و بقیه نیت در عدد اطواط طوافت چونکه طواف هفت شوط است  
 میگوئیم این نیز منقسم به دو قسم میشود اول آنست که نیت  
 عارض میشود بعد از انصراف و فراق از طواف و بقیه آنست که



شکر را تا طواف حکم در قسم اول است که اعتنا در  
 پائین است پس طواف محکوم بهجت و تمام است خواه طواف  
 و حجر بپوشد یا نشیند ظاهر اینست انصراف از طواف محقق  
 با اعتنا مختلف باشد که محقق عالم فیه با نیکه طواف بهجت  
 و مشغول به طواف شد و اعتنا را در پائین است که ایان بهجت  
 محقق قطع طواف بعد از آن شکر به حرمه او طواف شد  
 که این طواف نشی طواف فیه یا هفت شوط یا هفت فیه یا هفت  
 در این صورت التفاتی با این شکر نمیکند اگر چه قبل از شکر  
 نماز طواف فیه باشد بلکه در محل طواف که عبارت از ایان  
 تمام خانه کعبه است فیه باشد و قیام آنست که غیر شکر عارضی  
 شکر در حرم شریف طواف پس میگویم این طواف طواف  
 یا شکر در صورتیکه طواف مستحب فیه باشد یا بر اقل میگوید  
 خواه شکر متعلق بنقصان فیه باشد مثل اینکه شکر میکند که

لوط

شوط نشی است یا هفت یا پنج یا شش چهار است یا پنج  
 و هکذا یا شکر متعلق بر یاد فیه باشد مثل اینکه شکر میکند  
 که شوط هفتم است یا ششم محلا در هر دو صورت بنا بر اقل میگوید  
 پس در صورت اولی تمام نیاید و در صورت ثانی قطع در هر دو  
 صورت طواف محکوم بهجت است و اما هرگاه طواف واجب فیه  
 پس میگوید در این صورت تلف میجویم فیه فیه یا شکر  
 یا متعلق بر یاد فیه یا بنقصان در صورتیکه متعلق بر یاد  
 فیه بعد از وصول و بیوع برکنی است یا قبل از آن که شکر متعلق  
 بر یاد فیه است بعد از بیوع برکنی یا بنقصان بعد از آنکه بخیزد  
 رکعتی که حجر الاسود در آن مضروب است رسیده بلا فصل شکر  
 که غیر شوط شوط هفتم فیه یا ششم فیه پس میگوید زیاده  
 در این صورت ظاهر اینست که اعتنا در التفاتی با

۴۷ شک نیست پس طواف محکوم بصلوات خواهد بود و هم آنست

که شک متعلق بر یاد و هست کنی قبل از بلوغ مجازات رکنی

نذکور باین نحو که مجازات مستحار مثلا که رسیده

شک میکند که این نوط معتبر است یا نه هم سیم است

که شک متعلق بتقصاف است پس سیم معتبر است

نوط ششم است یا معتبر یا نه هم سیم است

این دو قسم قبل از صلات یا پس از صلات

و مختار در سوره الف که طواف

باطل در سوره الف آن

لا رست



خطی

۵۷